

تبیین مفهومی اولین گام در طراحی شاخص ملی سنجش رشوه

* دکتر عبدالله توکلی
** دکتر محمدسعید تسلیمی
*** دکتر حسن عابدی جعفری
**** دکتر محمد میرزایی

چکیده

طراحی شاخص سنجش رشوه مانند هر یک از انواع فساد اداری و اقتصادی مستلزم تبیین مفهوم آن بر اساس الزامات روش‌شناسانه است؛ لذا این مقاله سعی دارد که الف) واژگان اصلی رشوه را در قرآن کریم و روایات شناسایی کند و از نظر لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار دهد؛ ب) آیات قرآن کریم و روایات را به منظور دستیابی به گزاره‌های مرتبط با رشوه گردآوری و آنها را بررسی کند؛ ج) اقوال و آرای فقها را در مورد موضوع یاد شده بررسی و طبقه‌بندی کند؛ د) یافته‌ها را با استفاده از نظر مفسران قرآن، شارحان سخنان معصومان(ع)، سیره عقلا و حکم عقل و تمسک به روش اجتهادی تجزیه و تحلیل کند. بر این اساس یافته‌های تحقیق عبارتند از: الف) رشوه کاربردی فراتر از مال دارد؛ ب) رشوه بر موارد غیر مالی نظیر قول، فعل و عمل نیز اطلاق می‌شود؛ ج) رشوه در قالب‌ها و اشکال مختلفی اتفاق می‌افتد؛ د) رشوه و حرمت آن اختصاص به باب قضاوت ندارد و شامل کارگزاران ... می‌شود. ه) نیت راشی و مرتشی در حکم رشوه تأثیر دارد. واژه‌های کلیدی: شاخص، سنجش، فساد اداری، رشوه، مدل مفهومی و بومی‌سازی.

طبقه‌بندی JEL: O17, E26.

Email: atvakkoli@rihu.ac.ir
Email: taslimi@ut.ac.ir
Email: h_abedijafari@yahoo.com
Email: mmirzaie@ut.ac.ir

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
*** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
**** عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۱/۱۰/۲۸

۱. مقدمه

چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار (مثنوی مولوی)
 رشوه یکی از مصادیق اصلی فساد اداری و اقتصادی است. بلایی بزرگ که از زمان‌های
 کهن، دامن‌گیر جامعه بشری بوده و در طول زمان به شدت گسترش یافته است.
 به طوری که امروزه این پدیده شوم یکی از موانع اصلی اجرای عدالت اجتماعی است.
 رشوه در هر اجتماعی رواج یابد، شیرازه و نظم زندگی آن را دگرگون می‌کند و ظلم،
 فساد، بی‌عدالتی و تبعیض را در همه سازمان‌ها و ارکان آن گسترش می‌دهد (مکارم
 شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶-۱۷).

«آموندسن»^۱ معتقد است در این نوع از فساد اداری یعنی رشوه، برای دریافت خدمات
 دولتی یا دستیابی به امکانات و امتیازات، به کارمند دولت پول داده می‌شود. این موضوع
 به روش‌های مختلفی مثل «پورسانت» یا «زیر میزی» انجام می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۶،
 ص ۲۰-۲۲؛ حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۶-۱۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد که سالانه ۲ تا ۵ درصد از
 کل تولید جهان به صورت رشوه رد و بدل می‌شود (دادگر و معصومی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).
 افزون بر این، مطالعات موردی در کشورهای جهان نشان می‌دهد که رشوه و رشوه‌خواری
 می‌تواند هزینه‌ها را افزایش و کیفیت پروژه‌های عمومی را کاهش دهد و از این طریق
 ریسک و هزینه بزرگی بر جامعه تحمیل کند (مارو،^۲ ۱۹۹۵، ص ۷۱۳؛ عابدی جعفری و
 همکاران، ۱۳۸۷).

بر اساس تحقیقات سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، یک نفر از هر ده نفر مردم
 جهان در خلال سال ۲۰۰۶، رشوه پرداخت کرده است. نتایج نشان می‌دهد پرداخت رشوه
 بیشترین آسیب را به فقرا وارد می‌کند (TI،^۳ ۲۰۰۷).

همچنین تخمین محافظه‌کارانه پیمایش سنججه جهانی فساد نشان می‌دهد
 پرداخت‌کنندگان رشوه ۷ درصد درآمد سالانه خود را به این امر اختصاص داده‌اند و در پنج
 سال گذشته میزان رشوه کاهش نیافته است (سازمان بازرسی کل کشور، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰).
 از سوی دیگر، براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، جایگاه ایران در رتبه‌بندی
 میزان رشوه موجود در میان کشورها نه تنها به هیچ وجه مناسب نیست؛ بلکه فساد اداری در

1. Amnoldsen.

2. Mauro.

3. Transparency International.

ایران طی نه سال گذشته روند رو به رشدی داشته است.^۱

جدول ۱. وضعیت رشوه طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
تعداد کشور	۱۳۳	۱۴۶	۱۵۸	۱۶۳	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۳
نمره	۳	۲/۹	۲/۹	۲/۷	۲/۵	۲/۳	۱/۸	۲/۲	۲/۷
رتبه	۷۸	۸۷	۸۸	۱۰۵	۱۳۱	۱۴۱	۱۶۸	۱۴۶	۱۲۰

منبع: گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل

۲. بیان مسئله

مبارزه با فساد اداری و به‌ویژه رشوه یکی از مهم‌ترین موضوعات به‌شمار می‌رود. توافق کشورهای مختلف در مورد کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد که به موجب قطعنامه شماره ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ م، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده، بیانگر آن است که جهان برای پیگیری و مبارزه با پدیده فساد گام جدی‌تر برداشته است و این امر نیازمند شناخت ماهیت، ابعاد و انواع فساد اداری است که خود مستلزم داشتن شاخص‌ها و ابزار مناسب سنجش است. از این‌رو محققان و سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل و... در عرصه مطالعات ضد فساد و معرفی شاخص‌های مختلف سنجش فساد اداری فعال شدند و بر مبنای متفاوت و در سطوح مختلف، شاخص‌های سازمانی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی ارائه نمودند (توکلی، ۱۳۹۱).

به‌رغم ارائه شاخص‌های مختلف سنجش فساد اداری و رشوه نقدهای اساسی نیز بر این شاخص‌ها در ابعاد مبانی (شناخت دقیق پدیده مورد سنجش، تفاوت‌های فرهنگی و...)، انواع (ادراک سنج بودن، واقعیت سنج بودن و...)، روش‌شناسی (ورودی‌محور یا نتیجه‌محور بودن، میزان راست‌آزمایی شاخص‌ها و...) و احتمال دخالت مقاصد اقتصادی، سیاسی و... در طراحی آنها وارد شده است؛ به‌طوری‌که اعتبار این شاخص با تردید مواجه شده و اثربخشی مطالعات و اقدامات ضد فساد را دشوار کرده است (UNDP، ۲۰۰۸ و فاضلی، ۱۳۸۸).

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: رفیع‌پور، سرطان اجتماعی فساد، ص ۲۳؛ البته جایگاه ایران در گزارش (CPI) قابل نقد و بررسی است؛ افزون بر این، براساس گزارش سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ (CPI) این روند تا حدودی اصلاح شده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص علل کاهش رتبه ایران در CPI ر.ک: حق‌شناس و همایونی، بررسی علل کاهش رتبه ایران در CPI.

بنابراین هنوز مسئله دست‌یابی به شاخص‌های مناسب برای سنجش فساد اداری و رشوه حل نشده یا به‌طور کامل پاسخ داده نشده است و لذا انجام پژوهش‌های بیشتر ضروری است. صاحب‌نظران در زمینه مبارزه با فساد اداری بر این باورند که یکی از راه‌های برون‌رفت از این مشکل، طراحی شاخص سنجش فساد اداری متناسب با فرهنگ بومی مناطق و کشورهای مختلف براساس روش‌شناسی دقیق است.^۱ زیرا تفاوت‌های فرهنگی باعث اختلاف‌نظر در مورد مفهوم فساد اداری و مصداق‌های آن در جوامع مختلف می‌شود. همچنین طراحی شاخص‌های ملی سنجش فساد اداری مورد تأکید سازمان شفافیت بین‌الملل و سرپرست وقت آن آگین^۲ است (بازرگانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴). به همین دلیل در چند سال اخیر تولید و کاربرد شاخص‌های سنجش فساد اداری و رشوه در کشورهای مختلف رشد بی‌سابقه یافته است (UNDP، ۲۰۰۸، ص ۷۲-۸۶).

اما از یک‌طرف با وجود زمینه‌های مناسب اسلامی و ایرانی برای توجه به اهمیت مسئله رشوه و فساد اداری و شناخت ماهیت آن و از طرف دیگر وجود گزاره‌های دینی و قوانین و مقررات در خصوص چگونگی جلوگیری و مبارزه با آن و همچنین جایگاه نامناسب ایران در رتبه‌بندی میزان ابتلا به رشوه، در عمل مطالعه چندانی در این مورد انجام نشده است. عدم توجه شایسته به این مسئله موجب ناشناخته ماندن ماهیت رشوه و نیز میزان گستردگی آن در ایران و نظام اداری کشور شده و در نتیجه موجب عدم امکان برنامه‌ریزی برای مبارزه و پیشگیری از رشوه و فساد اداری شده است. از این‌رو، نمی‌توان در مورد درستی یا نادرستی رتبه‌بندی‌های جهانی میزان رشوه در ایران قضاوت کرد و خواسته یا ناخواسته باید نتایج آنها را پذیرفت و از شماتت جامعه جهانی نیز رنج برد. از این‌رو باید با پژوهش ماهیت رشوه و چگونگی سنجش آن را بررسی کرد.

توکلی و همکاران (۱۳۹۱) با مرور شاخص‌های سنجش فساد اداری و تجزیه و تحلیل آنها معتقدند اولین و مهم‌ترین الزام روش‌شناسی طراحی شاخص‌های ملی سنجش اداری تشخیص موضوع سنجش است. از این‌رو در اقدام برای طراحی شاخص سنجش رشوه به عنوان مهم‌ترین مصداق فساد اداری اولین گام آن است که مشخص شود، رشوه به چه معناست و تعریف آن چیست؟ زیرا چنانچه به‌رغم وجود ابهام در تعریف رشوه، شاخص آن طراحی شود، اشتباه فاحشی به‌دنبال خواهد داشت. یعنی اگر افراد، نهادها و کشورها با

1. www. Transparency international .org.

2. Peter Eigen.

پیشینه هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه متفاوت و فرهنگ‌های مختلف، بدون فهم تفاوت‌ها به دنبال طراحی شاخص باشند، در این صورت ممکن است به اتخاذ روش‌شناسی متناسب با دستگاه معرفتی توجه کافی نکنند که نتیجه آن جز تشبث و انبوهی از داده‌ها که امکان مقایسه و مطالعه تطبیقی را فراهم نمی‌کند نیست و این در حالی است که این داده‌ها به‌طور جدا از یکدیگر ارزش زیادی ندارند (اسریده و میچلسون،^۱ ۲۰۰۶، ص ۱۱-۱۳).

همچنین فقدان انسجام مفهومی در واژه رشوه موجب می‌شود تشخیص اینکه چه چیزی و با چه دقتی توسط شاخص‌های رشوه سنجیده شود دشوار گردد. این مشکل به‌ویژه در مورد شاخص‌های ترکیبی که مجموعه داده‌های چندگانه را درون یک یا چند شاخص رتبه‌بندی می‌کند درست است و حتی ممکن است به غیر مفید شدن یا بی‌معنایی شاخص منجر شود (آرندت و اومان،^۲ ۲۰۰۶، ص ۷۲).

در نتیجه به‌نظر می‌رسد هرگونه اقدام برای شناسایی یا طراحی شاخص‌های ملی سنجش فساد اداری و رشوه باید براساس پیش‌فرض‌ها، مبانی، اصول در قالب پارادایم و مجموعه معرفتی خاص کامل تعریف و معرفی شود. از این‌رو تمرکز این مقاله بر رشوه، به عنوان «واحد تحلیل» و یکی از مصادیق اصلی فساد اداری در سطح خرد است و کانون تحلیل این پژوهش نیز شاخص ملی سنجش رشوه می‌باشد.

رشوه این معضل اجتماعی در منابع دین اسلام به‌عنوان پدیده‌ای منفور تلقی و به‌شدت نهی شده است. در آیه‌های قرآن کریم و نیز روایات معصومان (ع) این مشکل در حوزه‌های سه‌گانه بینشی، اخلاقی و فقهی مورد توجه جدی واقع شده است. آیت‌الله معرفت در این مورد می‌نویسد: گاهی برخی از گناهان مانند رشوه اتفاق می‌افتد که تمامی عقلا بر قبح و شنیع بودن آن اتفاق نظر دارند (معرفت، بی‌تا، ص ۴۱۸-۴۳۱). زشتی رشوه واضح و روشن است؛ به‌طوری‌که عقل سلیم آن را به‌خوبی درک می‌کند و همین نکته موجب می‌شود این عمل شوم در لابه‌لای عبارات و عناوین فریبنده دیگری مانند: هدیه، تعارف، حق و حساب، حق‌الزحمه، انعام و... انجام شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). از این‌رو گناه رشوه و ارتشا از دیدگاه اسلام به‌قدری زیاد است که امام صادق (ع) درباره آن می‌فرماید: «وَأَمَّا الرَّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهِيَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ؛ اما رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۹۴) و در حدیث معروفی از رسول خدا (ص) نقل شده: «لَعَنَ

1. Sreide & Michelsen.

2. Arndt & Oman.

اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَأْشِيَّ بَيْنَهُمَا؛ خدا رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده و واسطه میان آن دو را لعنت و نفرین کند و از رحمت خود دور گرداند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶-۱۷).

۲-۱. بررسی لغوی

رشوه، پاره و بلکفده، یعنی آنچه به کسی دهند برای کار ناروا و غیرمشروع؛ دادن مالی به کسی برای انجام دادن مقصود خود (معین، ۱۳۷۱). زری که در ازای فتوا به ارباب شریعت دهند یا از خوف یا به طمع منصبی از مناصب دیوانی به سلاطین و حکام و ارباب دیوان رسانند؛ هدیه نامشروع؛ بلکفد؛ جعلی که به حاکم دهند، نه به صورت مشروع تا حکومت کند بلکه به دلخواه راشی. در اصطلاح فقه چیزی که قاضی برای صدور حکم یا کمک فکری به یکی از اصحاب دعوا دریافت می‌کند؛ آنچه به کسی دهند تا کارسازی ناحق کند (دهخدا؛ معین، ۱۳۷۱). صاحب کشف اصطلاحات الفنون می‌گوید: ... رشوت‌دهنده را راشی و رشوت‌گیرنده را مرتشی گویند (معین، ۱۳۷۱).

در ترمینولوژی حقوق نوشته شده است که رشوه مالی است که به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری و قضائی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد؛ خواه مستقیم آن مال را دریافت کند یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد، این شخص واسطه را در فقه «رایش»... و شرط تحقق رشوه، تبانی و توافق گیرنده و دهنده برای دادن و گرفتن رشوه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

در زبان انگلیسی واژه bribery به معنای رشوه است و منظور از آن مبلغی است که به فرد تصمیم‌گیرنده پرداخت می‌شود تا در تصمیم‌گیری، منافع پرداخت‌کننده وجه را در نظر داشته باشد. مبلغی که کارگر به کارفرما یا سرپرست خود برای حفظ شغلش می‌پردازد (فرنج، ۱۳۷۱).

لسان‌العرب می‌نویسد: «الرِّشَاءُ رَسْنُ الدَّلْوِ. رشوه ریسمان دلو است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۲۸۱). ابن‌اثیر می‌گوید: یعنی راه یافتن به رفع حاجت به وسیله مصلحت‌ها. اما آنچه برای رسیدن به حق یا دفع ظلم انجام می‌گیرد در مفهوم رشوه داخل نیست و رشوه به

۱. شاید نتوان معادل فارسی دقیق برای مصلحت آورده؛ ولی رفیق‌بازی، سازش‌کاری، ملاحظه‌کاری و معامله‌گری را می‌توان مترادف آن دانست.

کسر راء به معنی طناب است. طریحی می گوید: «رشوه، به کسر راء چیزی است که فرد به حاکم و غیر او می دهد تا به سود او حکم کند یا وی را به آنچه می خواهد برساند و جمع آن رشا است» (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۴).

واژه های برطل، سحت، شکم، جُعل در زبان عربی به معنی رشوه استفاده شده اند (فرهنگ ابجدی عربی و فارسی). تعدد واژگان به کار رفته در مفهوم رشوه در زبان فارسی هم درست است؛ زیرا کلمات مترادف مانند پول زور، انعام، کارچاق کنی، بخشش، شیرینی، حق العمل، زیرمیزی و باج سبیل عناوینی هستند که در مورد رشوه به کار می روند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۸۷).

۲-۲. آیات قرآن کریم در مورد رشوه

در قرآن کریم فقط آیه ۱۸۸ سوره بقره به طور مستقیم مسئله رشوه را مورد توجه قرار داده است؛ اما برخی از مفسران ذیل آیات دیگری از جمله آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳ سوره مائده هم مسئله رشوه را مطرح و بحث و بررسی نموده اند که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۲-۳. روایات معصومان (ع) در مورد رشوه

در خصوص رشوه روایات زیادی در منابع بیان شده است؛ به طوری که در برخی از مجموعه های روایی، روایات رشوه در یک باب یا یک فصل و گاه در یک کتاب مستقل سامان یافته است. برای مثال در کتاب وسائل الشیعه که از کتاب های معتبر روایی شیعه است، یک باب مستقل به حرمت رشوه اختصاص یافته است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۲۲). همچنین کتاب معتبر روایی دیگر، یعنی مستدرک الوسائل نیز بابی با همین نام دارد (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۳۵۳). افزون بر این دو کتاب یادشده گاه در بخش هایی دیگر و در بحث های مرتبط، به مسئله رشوه نیز پرداخته اند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۹۲؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۷۰). همچنین کتاب بحارالانوار نیز روایات مربوط به رشوه را در بابی به نام «الرشا فی الحکم» گردآوری کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۱، ص ۲۷۳). همچنین مرحوم کلینی در کتاب کافی بابی را به روایات در این رابطه اختصاص داده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۷). از این رو با استفاده از کتاب های معجم موضوعی و نیز نرم افزارهای علوم اسلامی

روایاتی که واژه رشوه یا یکی از مشتقات آن را در برداشته احصا شده است که در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۲: روایات مرتبط با رشوه

ردیف	واژه	تعداد	توضیحات
۱	الرشا	۷۹	
۲	الرشوه	۷۶	
۳	رشوه	۱۵	
۴	المرتشی	۱۴	عموماً با ردیف پنج مشترک
۵	الرائشی	۹	//
۶	رشا	۳۹	
۷	رائش	۸	
۸	الرائش	۳	
۹	رشی	۱	

۲-۴. رشوه و سیر تطور آن در فقه و آثار فقها

از نگاه تعداد قابل توجهی از فقهای بزرگ، رشوه به‌عنوان پدیده‌ای مسبوق به سابقه است که اسلام حکم آن را براساس حکم عقلا، تأیید کرده است. از این رو حکم حرمت رشوه، حکمی امضائی است نه تأسیسی. این مسئله در ادامه مقاله به‌طور تفصیلی بررسی خواهد شد. به‌رحال برای تبیین سیر تطور آرای فقهی در مورد رشوه می‌توان دیدگاه فقها را در چند دوره طبقه‌بندی و ارائه کرد:

الف) دوره‌ای که علما و فقها برای حفظ و صیانت از معارف اهل‌بیت (ع) رسالت خود را فقط گردآوری روایات معصومان (ع) و طبقه‌بندی و تنظیم و تدوین آنها در کتاب‌های روایی می‌دانستند. در این دوره زمانی روایات مربوط به رشوه و ارتشا ذیل بحث اجرت قاضی مطرح شده است.

ب) نخستین فقیهی که مسئله ارتشا را به‌طور جدی مورد بررسی قرار داد، شیخ طوسی (شیخ طائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی) است که بحث رشوه را از قضات به عاملان و کارگزاران گسترش داد.

ج) اما مرحوم محقق کرکی یعنی علی بن حسین عاملی، معروف به محقق ثانی (۹۴۰ق) با توسعه مفهوم رشوه به جُعل و استفاده از عقل به‌عنوان یکی از ادله حرمت ارتشا گام بلندی در زمینه بسط و گسترش ادبیات فقهی مسئله رشوه برداشت (فاضلی هریکندی، ۱۳۸۰).

برای بررسی نظر و آرای فقها با توجه به سیر تطور بحث رشوه، آرای فقهی ۶۹ تن از فقها در مورد رشوه در بالغ بر ۸۵ کتاب، از شیخ مفید (۳۲۹ ق) تا فقه‌های معاصر بررسی شد. کتاب‌های مورد نظر دربرگیرنده کتاب‌های فقه استدلالی و فتوایی بود که عمده آن در سطوح متفاوت، مختصر، خوب و مفصل مسئله رشوه را مورد توجه قرار داده بودند. از میان این آرا و نظریات حدود سی و سه نفر از فقها که دارای فقه استدلالی در مورد رشوه بودند، تجزیه و تحلیل و حول محورهای مشخص جمع‌بندی، مقایسه و محورهای^۱ زیر بازشناسی و اصطیاد شد:

آیا رشوه فقط پرداخت مالی است؟ در مورد اینکه رشوه فقط پرداخت مالی است یا شامل موارد غیر مالی نیز می‌شود، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: در این دیدگاه رشوه اعم از مال است؛ شیخ طوسی، صاحب جواهر (نجفی، بی تا، ج ۲۲، ص ۱۴۷)؛ یزدی (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳)؛ سبزواری (۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۳۰)؛ گلپایگانی (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۱)؛ حسینی روحانی (۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۳-۷۹)؛ سبحانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۴)؛ معرفت (بی تا، ص ۴۱۸-۴۳۱)؛ تجلیل تبریزی (بی تا، ص ۴۰۷) به این دیدگاه معتقدند. شاید بتوان از بررسی نظر آیت الله بهجت (بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶) و اراکی (۱۴۱۳ق، ص ۶۳-۴۵) هم همین دیدگاه را استفاده نمود. همچنین آیت الله مکارم شیرازی، تعداد دیگری از فقها را به عنوان موافقان با این دیدگاه نام برده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۵۴).

دیدگاه دوم: در این دیدگاه رشوه فقط به پرداخت مال اطلاق می‌شود و به ترتیب از مرحوم محقق اردبیلی (۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۴۹۲)؛ نراقی (۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۷۱ و ۷۰)؛ خویی (۱۳۸۱ق)؛ مکارم شیرازی (۱۴۱۳ق)؛ سیفی مازندرانی (۱۳۸۷ق)؛ هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۵۶۸) نقل شده است. شاید بتوان از کلام شهید ثانی همین نظر را استنباط کرد (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۵).

۲-۵. بررسی ادله و جمع بندی

پس از روشن شدن آرا و دیدگاه فقها، حال باید دید با توجه به ادله موجود کدام یک از

۱. آرای این فقها در مورد محورهای ۲۲ گانه در جزوه‌ای حدود ۱۵۰ صفحه‌ای تنظیم شده است. اما در این مقاله محورهای اساسی مؤثر در تبیین ماهیت رشوه ارائه می‌شود.

این دو دیدگاه به صواب نزدیک‌تر است؟

هماهنگی با معنای لغوی: براساس آنچه از کتاب‌های لغت عربی^۱ نقل شد در جمع‌بندی معنای لغوی رشوه می‌توان گفت در زبان عربی این واژه معنایی فراتر از مال دارد و بر هر آنچه (مال، فعل، عمل و گفتار) به وسیله آن نزد قاضی یا غیر قاضی برای رسیدن به مقصود توسل جسته می‌شود اطلاق می‌گردد. سازگاری و هماهنگی برداشت عام از معنای رشوه مورد تأیید آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سیفی مازندرانی قرار گرفته است؛ (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۵۴؛ سیفی مازندرانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۱).

آیات قرآن: در ظاهر، قرآن کریم فقط در آیه ۱۸۸ سوره بقره به‌طور مستقیم رشوه را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ».

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه مبارکه می‌نویسند: مجموع آیه کلام واحدی است که یک غرض را افاده می‌کند و آن نهی از مصالحه‌ای است که راشی و مرتشی بر سر خوردن مال مردم می‌کنند و مال مردم را میان خود تقسیم می‌کنند، حاکم یک مقدار از آن را که راشی به سویش ادلاء^۲ می‌کند بگیرد و خود راشی هم یک مقدار دیگر را با اینکه می‌دانند این مال باطل است و حقی در آن ندارند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴). تفسیر نمونه و تفسیر فرهنگ قرآن در این زمینه برداشتی مشابه با المیزان دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲-۱۷)؛ هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۵۶۸).

چنان‌که مشاهده می‌شود در این آیه، خوردن مال به باطل نهی شده که رشوه یکی از انواع آن است و پرداخت مال نیز یکی از مصادیق رشوه است. به سخن دیگر، از این آیه استفاده می‌شود که اکل مال به باطل حرام است و ادلاء مال به حکام (قضات)، اکل مال به باطل است، اما به هیچ وجه از آیه شریفه استفاده نمی‌شود که ادلاء به غیر مال حرام نیست یا از مصادیق رشوه نیست.^۳

روایات: در مجموع حدود دویست روایتی که در مورد رشوه گردآوری شد، به‌طور

۱. لسان العرب، مجمع البحرین، کتاب‌العین و... .

۲. انداختن دلو به چاه.

۳. به‌علاوه برخی مفسران ذیل آیات دیگری مسئله رشوه را مطرح، بحث و بررسی نموده‌اند که از جمله مائده، ۴۲ و ۶۲-۶۳ است؛ اما در این آیات به مسئله عام و خاص بودن معنای رشوه اشاره‌ای نشده است.

عموم رشوه و مشتقات آن در معنای عام به کار رفته‌اند. البته در چند مورد رشوه در مصداق مال به کار رفته است که عبارت‌اند از:

الف) روایاتی که رشوه را سحت معرفی کرده‌اند. نظر به اینکه منظور از سحت چیزی است که به دلیل قبح و زشتی بی ارزش می‌باشد، می‌توان گفت در این روایات رشوه در معنای مال استعمال شده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۹۶؛ ج ۲۷، ص ۲۲۳؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۴۷ و ج ۱۳، ۷۱ و ج ۱۶، ص ۳۴ و ج ۱۷، ص ۳۵۳ - ۳۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۴۳، ۵۳ و ج ۱۰۱، ص ۲۷۳؛ قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۷۰؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۶۹ق، ص ۱۵۵؛ صدوق، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۵۲۷؛ اراکی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ قطب‌راوندی، ۱۳۵۵-۱۳۵۷ق، ج ۲، ص ۲۶).

ب) روایاتی که از واژه «اخذ» به معنای گرفتن استفاده کرده است و این واژه معمولاً اشاره به مال دارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۲۶۹ و ج ۱۳، ص ۳۲۹؛ ج ۳۳، ص ۳۳۰؛ ج ۷۲، ص ۳۴۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۹۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۴۵).

ج) در روایتی بیان شده است که در آخرالزمان رشوه به عنوان هدیه حلال شمرده می‌شود. از این رو، با توجه به این نکته که هدیه، معمولاً مالی است، می‌توان گفت در این روایت نیز رشوه به معنای مال استفاده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳، ص ۳۰۳).

د) روایاتی که رشوه با کلمه «اکل» همراه شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۳۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۲۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۲۷). زیرا به‌طور مشخص «اکل» در مورد مال مطرح است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که در روایات، رشوه در موارد اندکی به معنای مال استعمال و معمولاً به صورت عام به کار رفته است که قابلیت انطباق با قول، فعل، عمل و مال را دارد و روشن است در اندک مواردی که در روایات رشوه مال مطرح می‌شود، فقط به یکی از مصداق‌های آن اشاره شده است.

استدلال فقهای که رشوه را فقط پرداخت مالی می‌دانند:

- تعبیر أخذ (گرفتن) که در برخی روایات رشوه وجود دارد و این تعبیر فقط در خصوص مال درست است و به‌ویژه در مورد قول، فعل و عمل صدق نمی‌کند.

- مال بودن رشوه از عرف متشرعه متبادر است؛ بلکه در عرف عام نیز رشوه را مال می‌دانند، نه گفتار. برای مثال آیت‌الله سیفی مازندرانی می‌گوید: «تعمیم رشوه به عمل و قول خلاف ظاهر کلمات لغویان است و از اطلاق لفظ رشوه به ذهن متبادر نمی‌شود (سیفی مازندرانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۸).

- علت تعمیم رشوه به غیر مال، توجه به ظاهر کلمات برخی لغویان است، ولی قرائن بسیاری بر محدود شدن رشوه به مال وجود دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۵۴). در پاسخ به این استدلال‌ها می‌توان گفت:

الف) نخست؛ تعداد روایاتی که از تعبیر «أخذ» و مشتقات آن در مورد رشوه استفاده نموده‌اند، اندک است. دوم؛ امکان حمل این روایات به بیان مصادیق رشوه مالی وجود دارد. از این رو، نمی‌توان از این روایات، انحصار رشوه به پرداخت مال را استفاده نمود.

ب) برعکس آنچه استدلال‌کنندگان برای انحصار رشوه به مال، مبنی بر عدم اطلاق کلام لغویان در مورد رشوه و نیز عرف عام و متشرعه بیان می‌کنند؛ بیشتر لغویان رشوه را به معنای عام آن اطلاق می‌کنند. افزون بر اینکه در عرف عام و متشرعه در خصوص وجود رشوه فعلی و عملی تردیدی وجود ندارد.

۳. انواع رشوه

صاحب جواهر اعمال و حتی اقوال، مثل مدح و ثنای قاضی و اقدام در رفع نیازهای او و نیز تجلیل و تعظیم وی را از مصداق‌های رشوه غیر مالی می‌داند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۴۷). سید یزدی می‌گوید: رشوه گاهی عمل است، مثل خیاطی لباس قاضی یا تعمیر کردن منزل او و گاه گفتار است؛ مانند اینکه راشی ستایش قاضی کند و ثنای او بگوید تا نظر وی جلب نماید، بلکه رأی به سود او صادر کند و گاه فعلی از افعال اوست، مثل تلاش در رفع نیازهای قاضی و تعظیم و تجلیل کردن او و مانند این افعال (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳). دیگر فقهای موافق با این دیدگاه عبارت‌اند از: آیت‌الله گلپایگانی (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۱)؛ سبحانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۴)؛ حسینی روحانی (۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۳-۷۹)؛ معرفت (بی‌تا، ص ۴۱۸-۴۳۱)؛ تبریزی (بی‌تا، ص ۴۰۷)؛ مؤمن قمی (۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۶). به‌علاوه از کلام شیخ در مبسوط و ابن‌ادریس در سرائر تأیید این نظر استفاده می‌شود (سیفی مازندرانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶).

در مقام استدلال بر این ادعا باید به موارد چهارگانه در استدلال برای معنای عام رشوه (مالی و غیر مالی) مراجعه کرد که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از تکرار آن خودداری می‌شود.

۴. قالب‌های رشوه

براساس آنچه از نظر فقها فهمیده می‌شود، رشوه می‌تواند در قالب‌های مختلفی اتفاق افتد. آیت‌الله معرفت در این مورد می‌نویسد: آیا رشوه همانند دیگر عناوین عقود و ایقاعات - که از قبیل ربا و غصب تلقی می‌شود - است؟ یا اینکه عنوان عامی است که صلاحیت انطباق بر دیگر معاملات معاوضیه و اذنی و غیر آن را دارد، مانند هبه، محاببات، اجاره، جعاله و... است - از قبیل اعانه بر اثم تلقی شود - که بر غیر خودش از معاملات منطبق می‌شود و از این جهت معامله حرام می‌شود. صاحب جواهر رشوه را از قسم دوم می‌داند (معرفت، بی تا، ص ۴۱۸-۴۳۱). زیرا صاحب جواهر براساس نظر خود که رشوه، هر آن چیزی است که با آن به سوی حکم راه جسته می‌شود؛ هبه، عقود، محاببات، عاریه و وقف را به عنوان قالب‌های رشوه مطرح می‌کند (نجفی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۹). امام خمینی (ره) نیز در این مورد می‌فرماید: «تفاوتی در رشوه میان این عنوان یا عنوان هدیه یا هبه یا بیع محابباتی و مانند آنکه انجام می‌گیرد نیست» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۶). همچنین آیت‌الله بهجت مصانعات (بهجت، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶)، آیت‌الله اراکی تحبیبات (۱۴۱۳ق، ص ۴۵-۶۳)، آیت‌الله گلپایگانی و سید یزدی علاوه بر موارد بیان شده عبادات مانند خمس و زکات را نیز از قالب‌های رشوه مطرح می‌نمایند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۱؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳).

از این رو می‌توان موارد زیر را به عنوان قالب‌های ارتشا برشمرد؛ هر چند با توجه به مبنای اساسی در تعریف رشوه قالب‌های آن منحصر در این موارد نیست: - هبه؛ - محاببات؛ - عاریه؛ - وقف؛ - معاملات معاوضیه و اذنی؛ - جعاله؛ - اجاره؛ - مصانعات؛ - دیگر عنوان‌های عقود و ایقاعات؛ - تحبیبات و - عبادات.

۵. بررسی اختصاص رشوه به قضا و قضاوت

در این مورد دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول معتقد است، رشوه فقط اختصاص به باب قضا دارد و رشوه برای تأثیر بر رأی و حکم قاضی (با صرف نظر از اختلاف‌های جزئی این دیدگاه) حرام است؛ دیدگاه دوم بر آن است که دایره رشوه وسیع‌تر بوده و شامل قاضی، والی، عمال (کارگزاران) و حتی کارکنان نیز می‌شود.

البته دیدگاه فرعی دیگری نیز در اینجا مطرح شده است که معتقد است هر آنچه در انواع و قالب‌های رشوه که انجام آن در مورد قضا حرام است، اگر از سوی فرد برای غیر قضا، یعنی والیان، کارگزاران و کارکنان اتفاق افتد، حرام است؛ ولی این حرمت به دلیل

رشوه بودن نیست، بلکه از باب غلول و سحت است که در روایات مربوط آمده و حرام است.

۵-۱. بررسی دیدگاه‌ها در خصوص اختصاص رشوه به قضاوت و قضاوت

دیدگاه اول: این دیدگاه از ظاهر کلام آیت‌الله بهجت، تجلیل تبریزی و آیت‌الله خویی استفاده می‌شود. آیت‌الله خویی در این مورد می‌نویسد: برخی به حرمت مطلق رشوه، حتی در غیر احکام معتقدند؛ زیرا روایات وارده شده اطلاق دارد. ولی این روایات از نظر سند ضعیف هستند و از نظر دلالت، به رشوه در حکم، انصراف دارند و مقید به جواز رشوه در امر مباح هستند (خویی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۷۷).

دیدگاه دوم: براساس این دیدگاه، رشوه اختصاص به قضاوت نداشته و والیان، کارگزاران و کارکنان را در بر می‌گیرد. آیت‌الله گلپایگانی در این زمینه معتقد است: براساس مقتضای برخی روایات، رشوه در غیر حکم (قضاوت)، مثل پرداخت رشوه به والی برای رفع نیاز مردم حرام است (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۱). افزون بر این، تعددی از فقها همین دیدگاه را دارند مثل مکارم شیرازی (۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۵۴)؛ فاضل لنکرانی (۱۴۲۰ق، ص ۳۰)؛ یزدی (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳)؛ شهید ثانی (۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۲۲)؛ سبزواری (بی‌تا، ج ۲)؛ طباطبائی کربلایی (۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۵۴)؛ شیخ طوسی، ابن‌ادریس، در مبسوط و سرائر به نقل از سیفی‌مازندرانی (۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۴)؛ آیت‌الله معرفت (بی‌تا، ص ۴۱۸-۴۳۱)؛ سیفی‌مازندرانی (۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶)؛ آیت‌الله سبحانی و زمخشری به نقل از سبحانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۲۴) آن است که رشوه اختصاص به حکم و قضاوت ندارد.

دیدگاه سوم: صاحب‌جواهر می‌نویسد: معروف آن است که رشوه اختصاص به قضاوت و کارگزاری عامه دارد؛ اما اطلاق نصوص که هدایای کارگزاران را غلول و سحت و مانند آنها می‌داند، ممکن است منظورشان پرداخت برای دفع باطل یا مانند آن باشد و این مطلب دیگری غیر از حرمت رشوه است. در عین حال گاه گفته می‌شود که رشوه اختصاص به جایی دارد که پرداخت به قاضی برای صدور حکم هرچند برای حکم به حق باشد و نیز پرداخت به کارگزار باشد برای کار باطل است (نجفی، بی‌تا، ص ۱۳۴). از نظر شیخ طوسی، قبول هدیه بر کارگزار صدقات حرام است؛ زیرا آن هدیه

عمال است که غلول یا سحت شمرده می‌شود (۱۳۵۱). آیت‌الله اراکی (۱۴۱۳ق، ص ۶۳-۴۵) و آیت‌الله آشتیانی (۱۳۶۹) نیز همین نظر را دارند.

۵-۲. بررسی ادله

- هماهنگی با معنای لغوی: همان‌طور که بیان شد، اگر واژه رشوه بدون قرینه یا قید به‌کار رود، معنای مطلق دارد و شامل هرگونه پرداخت مال، قول یا عمل و فعل برای رسیدن به حاجتی نزد قاضی یا غیر آن از کارگزاران و... می‌شود (خلیل‌فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۵۴). اختصاص دادن آن به حکم و قضاوت نیازمند دلیل است.

- آیات قرآن کریم: چنان که در بررسی آیات مرتبط با رشوه مشخص شد، تنها مطلبی که با استفاده از نظر مفسران می‌توان بیان داشت آن است که قرآن کریم به رشوه در حکم اشاره کرده است و برخی از مصادیق آن و نیز دلایل حرمت آن بیان شده است؛ اما این موضوع بدان معنا نیست که رشوه فقط به حکم و قضاوت منحصر باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۹ - ۳۲۴).

- روایات: از این منظر می‌توان روایات مرتبط با رشوه را بر سه دسته تقسیم نمود: پ (الف) روایات مربوط به مصداق حکم و قضاوت که از نظر تعداد بیش از دو دسته دیگرند مانند: (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ ج ۷، ص ۴۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۹۴، ۹۶؛ ج ۲۷، ص ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱ و ۲۶۹؛ ج ۳۳، ص ۳۰۰؛ ج ۳۴، ص ۱۱۰، ج ۳۲، ص ۴۰۶؛ طوسی، ۱۳۵۱ق، ج ۶، ص ۲۲۲ و ۳۲۱؛ صدوق، ۱۳۷۲ق، ج ۳، ص ۱۷۱).

(ب) روایاتی که عام است و اختصاص به قضاوت ندارد؛ در عین حال به هیچ مصداقی از رشوه اشاره نکرده‌اند: (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۳۵؛ ج ۱۶، ص ۲۸۷؛ ج ۱۷، ص ۳۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳، ص ۳۰۳؛ ج ۲۷۴، ص ۱۰۱).

(ج) روایاتی که به موردی غیر از قضاوت اشاره دارند. این موارد عبارت‌اند از: حکومت و اداره (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۰۴)، نیاز به خدمت فرد (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۵۴)، به علم فرد (دانایی / فقه وی) نیاز دارند، (طوسی، ۱۳۵۱ق، ج ۶، ص ۲۲۴) برای اینکه از مکانش منتقل شود (طوسی، ۱۳۵۱ق، ص ۳۲۱) یا اینکه به والی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۹۴) رشوه می‌دهند. از این رو نمی‌توان ادعا کرد که در زبان روایات رشوه فقط در مورد قضاوت و حکم به‌کار رفته است (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱،

ص ۳۰۹-۳۲۴).

- ادعای اجماع: بیشتر علما به تعمیم و عدم اختصاص رشوه به حکم تمایل دارند. همچنین شهید ثانی می‌گوید: «مسلمانان بر حرمت رشوه گرفتن قاضی و کارگزار اجماع دارند به دلیل روایت از پیامبر (ص) و امام باقر (ع) (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۴۲۰). در کفایه الاحکام نیز ادعای عدم اختلاف میان مسلمانان به حرمت رشوه و کارگزار بیان شده است. در میان مسلمانان اختلافی در مورد حرمت رشوه بر قاضی و کارگزار نیست؛ به دلیل روایاتی که از پیامبر (ص) و امام صادق (ع) نقل شده است (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۶۷۹).

- استدلال مخالفان: آیت الله خوئی در استدلال بر عدم اطلاق رشوه بر غیر قضاوت می‌نویسد: برخی به حرمت مطلق رشوه حتی در غیر احکام معتقدند؛ زیرا روایات وارد شده اطلاق دارد، ولی این روایات از نظر سند ضعیف اند و از نظر دلالت به رشوه در حکم انصراف دارند و مقید به جواز رشوه در امر مباح هستند (خوئی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۷۷).

متأسفانه دیگر مخالفان اطلاق مفهوم رشوه، استدلالی ارائه نکرده‌اند؛ اما در پاسخ استدلال مرحوم آیت الله خوئی می‌توان گفت: نخست ادله اطلاق محدود به روایات نبود، دوم روایات هم محدود به روایت سکنی‌الدار نیست؛ سوم برخی فقها در استفاده اطلاق از واژه رشوه ادعای اجماع نموده‌اند.

۶. تأثیر هدف و نیت راشی در حکم رشوه

اگر رشوه تعامل صریح یا قصدی باشد که مرتشی در ازای دریافت عوض وفق مراد راشی عمل نماید، (معرفت، بی تا، ص ۴۱۸-۴۳۱)، آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که نیت راشی چه تأثیری در رشوه تلقی شدن اقدام وی دارد؟ در این قسمت موارد قابل تصور درباره نیت راشی فهرست شده و سپس به طور مختصر بررسی شده است.

۶-۱. دست‌یابی به حق

هدف راشی در پرداخت رشوه دست‌یابی به حق است، این فرض خود مشتمل بر فرض‌های فرعی دیگری است: الف) رسیدن به حق خودش؛ ب) رساندن دیگران به حقشان؛ ج) رسیدن به حق متوقف بر پرداخت رشوه؛ د) رسیدن به حق، متوقف بر پرداخت رشوه نیست؛ در هر دو صورت الف و ب؛ ه) گاهی طرف احقاق حق، ظالم است و ز) گاه غیر ظالم است.

اگر به دست آوردن حق بر پرداخت رشوه متوقف باشد، در این صورت رشوه فقط برای دریافت مرتشی حرام است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۶؛ نجفی، بی تا، ج ۴۰، ص ۱۳۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۷۵؛ طباطبائی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۵۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۲۲؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰).

۲-۶. گرفتن حق از ظالم

برای مرتشی حرام است (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵؛ سیستانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۷).

۳-۶. تحت تأثیر قرار دادن حکم است

گاهی هدف راشی آن است که مرتشی را در صدور حکم تحت تأثیر قرار دهد که در برگیرنده چند مورد فرعی است:

الف) برای صدور حکم: به دلیل اجماع و روایات مستفیضه برای راشی و مرتشی حرام است (طباطبائی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۵۴؛ سیستانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۷؛ بهجت، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۴۹۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰، ص ۳۰؛ معرفت، بی تا، ص ۴۱۸-۴۳۱؛ طباطبائی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۲).

ب) برای این که به نفع او حکم (حق باشد یا باطل) کند: حرام است (نجفی، بی تا، ج ۴۰، ص ۳۱؛ تجلیل تبریزی، بی تا، ص ۴۰۷؛ طباطبائی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۲).

ج) برای این که مرتشی حکم باطل کند: یعنی راشی صاحب حق نیست، ولی رشوه می دهد که به نفع او حکم کند، حرام است (معرفت، بی تا؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳؛ بهجت، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۷۱-۷۰).

د) برای اینکه به نفع راشی (که محق است) حکم نماید: آیت الله تجلیل تبریزی در این مورد می نویسد: پرداخت برای حکم به حق نیز رشوه شمرده می شود (تجلیل تبریزی، بی تا).

ه) برای تغییر یا توقف حکم: راشی اگر برای تغییر یا توقف حکم رشوه بدهد حرام است (شیخ طوسی، ۱۳۵۱)؛ اما اگر رشوه برای اجرا حکم واجب پرداخت شود حرام نیست (شیخ طوسی، ۱۳۵۱).

۴-۶. جلوگیری از ضرر زیاد (مضطر بودن راشی)

آیت الله گلپایگانی و آیت الله تجلیل تبریزی به دلیل قاعده دفع ضرر معتقدند پرداخت

رشوه جایز است (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۳).

۵-۶. برای انجام کار حرام

شکی در حرام بودن آن نیست.

۶-۶. برای انجام یا به ثمر رساندن کار مباح یا مشترک میان حرام و حلال

اگر پرداخت رشوه برای انجام کاری مباح باشد و انجام آن مستلزم تضييع حق فرد یا ارتکاب حرام نیست اشکالی ندارد؛ اما به شرط اینکه هدیه امراء و کارگزاران نباشد، زیرا این کار خودش هر چند همراه با تقاضایی نباشد (صرف نظر از اینکه کار مورد تقاضا مباح باشد یا نباشد) حرام است (معرفت، بی تا، ص ۴۱۸-۴۳۱).

۷-۶. به ظالم برای ترک ظلم و اذیت یا برای دفع ظالم

جایز است (بحرانی، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۰۰). البته آیت الله سیفی مازندرانی می نویسد: اگر برای جلوگیری از شر زبانی و یدی وی باشد این رشوه است (سیفی مازندرانی، ۱۳۸۷).

۸-۶. تکریم، تعظیم، تودد و پرداخت هبه و...

رشوه نیست (خویی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۷۷). صاحب ریاض در این مورد می گوید: اگر به منظور دوستی یا دست یابی به علم و مانند آن باشد، هدیه است و اما اگر منظور او رسیدن به قضاوت یا حاجتی باشد، رشوه می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۵۴).

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی می توان گفت برای ارائه مفهوم صحیح رشوه و ابعاد و مؤلفه های آن در این بخش، نخست واژه های اصلی که در زبان عرب و منابع اسلام (آیات و روایات) در مورد رشوه، به کار رفته است از نظر لغت و اصطلاح کاوش و بررسی شد؛ دوم، آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع) به منظور دست یابی به گزاره های مرتبط بررسی و موارد اصطیاد شده جمع آوری گردید؛ در سومین گام، گردآوری و دسته بندی اقوال و آرای فقها در مورد رشوه بررسی و تبیین شد و از این رهگذر دست یابی به جریان تطور فقهی و نیز نظر مشهور در مورد رشوه، ابعاد و مؤلفه های اساسی آن امکان پذیر گردید و در گام نهایی، کار تجزیه و تحلیل یافته ها با مراجعه به نظر مفسران

قرآن مجید و شارحان سخنان معصومان (ع) و انضمام شناخت سیره عقلا و حکم عقل سامان یافت و منظومه به نسبت کاملی از گزاره‌های موجود در مورد رشوه در اختیار محققان قرار گرفت. نتایج تحقیق به شرح ذیل است:

- (الف) رشوه کاربردی فراتر از مال دارد و بر مال، فعل، عمل و گفتار اطلاق می‌شود.
- (ب) براساس ادله همان‌طور که رشوه شامل مال می‌شود، شامل موارد غیر مالی مانند: قول (مثل مدح و ثنای قاضی)، فعل (تلاش و اقدام در رفع نیازهای او و نیز تجلیل و تعظیم وی، از جای برخاستن و...) و عمل (خیاطی لباس قاضی یا تعمیر منزل او) نیز می‌شود.
- (ج) رشوه می‌تواند در قالب‌ها و اشکال مختلفی اتفاق افتد و همان ادله‌ای که بر معنای عام (مالی و غیر مالی) رشوه دلالت داشت، بر امکان انجام رشوه در قالب‌های مختلف از جمله هبه، محاببات، عاریه، وقف، معاملات معاوضیه و اذنی، جعاله، اجاره، مصنوعات، دیگر عنوان‌های عقود و ایقاعات، تحبیبات و عبادات دلالت دارد.
- (د) رشوه و حرمت آن اختصاص به باب قضاوت ندارد و هر جا ملاک آن، که ادلاء برای جلب منفعت راشی است، وجود داشته باشد، مصداق می‌یابد.
- (ه) هدف و نیت رشوه دهنده در حکم رشوه تأثیر دارد.

۸. پیشنهادها

(الف) در این تحقیق مفهوم رشوه به‌عنوان یکی از انواع فساد اداری و اقتصادی بازشناسی و تبیین شد. مناسب است برای تکمیل تحقیق و کاربردی کردن آن از سویی و تشخیص میزان رواج رشوه در نظام اداری ایران از سوی دیگر، پژوهشی مستقل با رعایت الزامات روش‌شناسی برای طراحی شاخص سنجش رشوه با رویکرد ملی اجرا شود.

(ب) این تحقیق در قلمرو فقه شیعه انجام شده است. از این‌رو با توجه به مشترکات آن با فقه اهل تسنن از سویی و وضعیت فساد اداری و رشوه در کشورهای اسلامی که ضرورت انجام این نوع از تحقیقات را برای ایشان اجتناب‌ناپذیر می‌کند از سوی دیگر، ضرورت توسعه این تحقیق به‌طوری‌که برای تمامی کشورهای اسلامی مفید باشد را انکارناپذیر می‌نماید. این مسئله مستلزم یک مطالعه بین‌مذاهب اسلامی در مورد رشوه است.

(ج) این تحقیق یکی از انواع فساد اداری و اقتصادی یعنی رشوه را مطالعه کرده است؛ درحالی‌که برای برنامه‌ریزی مبارزه با فساد اداری و اقتصادی نیز پیشگیری از آنها لازم است. این نوع مطالعه در مورد سایر انواع فساد اداری و اقتصادی نیز انجام شود.

منابع

- بازرگانی، محمد (۱۳۸۴)، *واقع‌نمایی شاخص ادراک فساد، مقدمه‌ای بر سنجش سلامت و فساد نظام اداری در ایران*، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۰)، *فرهنگ ابجدی*، ترجمه رضا مهیار، قم: انتشارات اسلامی.
- توکل، عبدالله (۱۳۹۱)، «درآمدی بر الزامات روش‌شناسی طراحی شاخص ملی فساد اداری»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۶۲.
- توکل، عبدالله و محمد سعید تسلیمی، حسن عابدی جعفری و محمد میرزایی (۱۳۹۱)، *طراحی شاخص ملی سنجش فساد اداری*، پایان‌نامه دکتری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳)، *فساد مالی*، تهران: وزارت ارشاد، کانون اندیشه جوان.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶)، *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۸۹)، *سنجه جهانی فساد*، ترجمه شعبان نجف‌پور و محمدجواد حق‌شناس، تهران.
- سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۸۸)، *سنجه جهانی فساد*، ترجمه شعبان نجف‌پور و محمدجواد حق‌شناس، تهران.
- طباطبایی، [صاحب ریاض] سید علی بن ابی‌معاذ (۱۴۰۹ق)، *الشرح الصغیر فی شرح مختصر نافع*، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: رجاء، ج ۶.
- عابدی جعفری و همکاران (۱۳۸۷)، *تدوین اصول، سیاست‌ها، راهبردها و راه‌کارهای ارتقای سلامت اداری*، تهران: گزارش طرح پژوهشی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر سنجش فساد*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

فرنج، درک (۱۳۷۱)، فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی (متوسط)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۸)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۷)، دعائم الإسلام، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اراکي، شیخ محمد علی (۱۴۱۳ق)، المكاسب المحرمة، قم: مؤسسه در راه حق.
- اراکي، مجتبی (۱۴۰۳ق)، عوالمی اللالی، قم: انتشارات سیدالشهداء.
- آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر (۱۳۶۹ق)، کتاب القضاء، تهران: چاپخانه رنگین.
- آشتیانی، میرزا محمدحسن بن جعفر (۱۳۶۹ق)، کتاب القضاء، تهران: چاپخانه رنگین.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، حدائق الناظرة، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم: جماعة المدرسين.
- بهجت، محمدتقی (بی تا)، جامع المسائل، قم: بی جا.
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا)، أسس القضاء و الشهادة، قم: بی جا.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب (بی تا)، التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة، بی جا.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵)، فساد اداری، تهران: وثقی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق (۱۳۸۷)، فقه الصادق، اجتهاد.
- حق شناس، محمدجواد و غلامحسین همایونی (۱۳۸۹)، بررسی علل کاهش رتبه ایران در (CPI)، تهران: سازمان بازرسی کل کشور.
- خلیل فراهیدی، ابن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجرة.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه دارالعلم.
- خمینی روح الله (۱۳۸۷)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، *مصباح الاصول*، قم: داوری.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۸ق)، *نظام القضاء و الشهادة فى الشريعة الاسلامیة الغراء*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سبزوارى، سيد عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، *مهذب الأحكام فى بيان الحلال و الحرام*، قم: دفتر آیت الله سبزوارى.
- سبزوارى، محمد باقر بن محمد مؤمن (بى تا)، *كفاية الأحكام*، بى جا.
- سیستانی، سیدعلی حسینی (۱۳۸۸)، *منهاج الصالحین: العبادات*، دفتر آیت الله العظمی سیستانی.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۳۸۷)، *دلیل تحریر الوسیله للامام الخمینى: ولایة الفقیه و ما یتعلق بها*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فى شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشى داوری.
- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۲)، *الخصال*، جماعة المدرسین فى الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایى حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق)، *منهاج الصالحین*، بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- طباطبایى، سید علی بن محمد بن ابی معاذ (۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل فى تحقیق الأحكام بالدلائل* (ط - الحدیثه)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طباطبایى، محمد حسین (بى تا)، *المیزان فى تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۶.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق) *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، مکتب النشر الثقافه الاسلامیة.
- طوسی (۱۳۶۳ش)، *التهذیب*، ۱۰ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۶.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۱)، *المبسوط*، تحقیق سید محمد تقی کشفی، انتشارات مرتضوی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۲۱ق)، *تفسیر العیاشی*، قم: بعثت.
- فاضل لنکرانی، محمد موحدی (۱۴۲۰ق)، *القضاء و الشهادات* (تفصیل الشریعة فى شرح تحریر الوسیلة)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

فاضلی هریکندی، حسین (۱۳۸۰)، رشوه در فقه شیعه با بررسی تطبیقی در قانون مجازات اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

قطب راوندی، سعید بن هبه الله (۱۳۵۵-۱۳۵۷)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامة.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، اصول الکافی، دار الاضواء، ج ۲ و ۳.

گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی (۱۴۱۳ق)، کتاب القضاء، قم: دار القرآن الکریم.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، بیروت: مؤسسة الوفاء.

محدث نوری (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

معرفت، محمدهادی [بی تا]، تعلیق و تحقیق حول کتاب القضاء، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد

الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳ق)، انوار الفقاهه، کتاب البیع، قم: مدرسه الامام

امیرالمؤمنین (ع)، الطبعة الثانية.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامی، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهية، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.

موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر (۱۳۶۹)، جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الاطهار

علیه السلام، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام.

مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲ق)، مبانی تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی (ره)، چاپ اول.

نجفی، محمد حسن بن باقر [صاحب الجواهر] (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع

الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام.

یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسه

الأعلمی للمطبوعات.

Arndt, Christiane & Charles Oman (2006), *Uses and Abuses of Governance Indicators*, Paris: OECD Development Centre: 72, [http://: Www. Transparency international .org/](http://www.transparencyinternational.org/).

Mauro, P. (1995). "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, LX (3), p. 681-712.

Report on the Corruption Transparency International Global Corruption Barometer2007.

Sreide, Tina &Chr. Michelsen (2006). "Is it wrong to Rank? A Critical Assessment of Corruption Indices", *Institute Working*, p. 1-13.

Transparency international (2007), *corruption perception Index (CPI)*.